

خدمت رفیق ارجمند زاله

پس از تقدیم خلاصانه ترمیمی درودها، آرزوی قلبی دارم که آن وجود شریف در نهایت سلامت و
تندرستی در کنار عزیزان و استیلا روزگار خوشی داشته باشد.

رفیق عزیز از کجا شمارا می شناسم و با نام و گه گاه کارهای شما آشنائی و اخوت یافته ام نمیدانم.
چند ماهی که به آن نام ای افتخار و آن تاریخ خوتیار تکر کرده ام بعد از جلسه سازا نش پستی با چند
نام بی هیچ نامی برخورد کرده ام، اینی بود و بود تا در این غریب دهشتناک در خانه رفیق بی سینه
« باد سطره » در آمد، یک جا و یک دست راهی را که گاه با پستی در روزنامه ای، ماهنامه ای یا ماهی
رفته بود، با پای جان در نوشتم، یکسالی بر اینی مایه بر آمد و بار خط اتصال ها بود که بود و منی که از هر
آشنا غریبه در جیبجو، تا آن که از دوستی آنای هستی استغافه کرده در ادس و محلی اقامت شمارا
یافتم.

با ای، و اگر بی هیچ مهابا هیچ آشنائی پیشی این جبار را کرده که بیای اقا « خاتم، یا تو... » رفیق را برگزینیم، بیشتر خود را محق
دانستم، چه تاکنون در هیچ کجا افترا نماند و ضد اعتمادناک شیب یا سوب به آن عزیز گرامی قدر ندیده ام، و ایگاش کور شده و هرگز
از هیچ کسی را نیستم، و اگر به خطا رفته ام اینک دهها و آنک هستی است.

در خانه از آن وجود نازنین تقاضا دارم دو چیزه ای را که در پس نامه نهاده ام تا روی خود بخوردن پاینده از سر انماضی
نگرسته و شکر فردی در پادس را ادعای فقه شکنی نه انند. و این اجاره و امکان را فراهم آورند تا به این طریق سلام
من و کارهای من هزار گاه شرف یک پس یافته و در نقد آن نظر نقاد، عیار خویشی شکرانه

سحر سوره در آینه
علی حعفری
با سنج دارم